

## ((گوشه ای چند از خاطرات اردشیر زاهدی))

اگر مردم اطلاع پیدا میکردند که پادشاهشان مریض است  
برایش خون گریه میکردند

اعلیحضرت فقید درخروج چین از انزوای بین المللی نقش بزرگی داشت  
نشریه پرتوایران - چاپ کانادا

• جناب زاهدی؛ اگر اشتباه نکنیم؛ آشنائی شما بانیکسون رئیس  
جمهور فقید آمریکا؛ و نیز آشنائی بانیکسون؛ از بعد از قیام ۲۸ مردادماه سال  
۱۳۳۲ شروع شد. آنرا چطوری به یاد میاورید؟

- در سال ۱۹۵۳؛ نیکسون بعنوان معاون ریاست جمهوری آمریکا؛ سفری  
بایران کرد و با اعلیحضرت آشنا شد. در این سفر آقای نیکسون حامل  
دعوتنامه ای از طرف پرزیدنت آیزنهاور برای اعلیحضرت بود. دعوت برای  
سفر به آمریکا. در نتیجه؛ در سال ۱۹۵۴ این سفر عملی شد و من  
افتخار داشتم در رکاب همایونی باشم. اول به لبنان رفتم و بعد به نیویورک و  
واشنگتن آمدم. سه روز درواشنگتن سفر رسمی بود. آنموقع اعلیحضرت ثریا؛  
ملکه ایران بودند. ایشان هم همراه اعلیحضرت بودند. بعد از آمریکا هم  
سفر رسمی به انگلستان بود.

ایجاد زمینه این روابط که مورد سؤال شما بود؛ البته از نیکسون معاون وقت  
رئیس جمهور آمریکا بود؛ و من هم آشنائی و مناسباتی داشتم و بیشتر مواقع ما  
با هم نامه نویسی داشتیم. بعد ها در سال ۱۹۵۹ اعلیحضرت از من خواستند و  
ماموریت دادند بعنوان سفیر بآمریکا بروم. اولین باری بود که سفیر میشدم.  
باتفاق والاحضرت شهنواز به آمریکا رفتم. و در این هنگام هنوز نیکسون  
معاون بود. بدون تردید؛ بعنوان سفیر شاهنشاه؛ روابط نزدیکتری بانیکسون  
داشتیم و این رابطه موجب دوستی نزدیک دوکشور و تبدیل آن به روابط  
گرمتر و دوستانه تری شد. پس از آن من از آمریکا رفتم به انگلستان.  
نیکسون در جریان انتخابات ریاست جمهوری در برابر کندی را از دست داد؛  
من برایش تسلیت نامه ای فرستادم؛ و این تسلیت نامه در روحیه این  
مرد بزرگ تاثیر فراوان گذاشته بود.

در سال ۱۹۶۷ وقتی وزیر امور خارجه بودم؛ شنیدم که نیکسون مسافرتی  
درپیش دارد؛ و ممکن است از فضای هوایی ایران هم عبور کند. خواهش  
کردم که به تهران بیاید. ترتیب دیدارشان را با اعلیحضرت و نیز دیداری

از وزارت خارجه را هم دادم. مدتی هم در حصارک با هم گفتگو داشتیم. شبی تا پنج در حصارک مشغول صحبت بودیم؛ و من باز هم ادراک بیشتری از شخصیت بسیار برجسته نیکسون پیدا کردم. از ویتنام آمده بود و میخواست جنگ ویتنام تمام بشود. بعد هم میخواست از آنجا بشوره‌های شرق اروپای شرقی برود؛ چون در روسیه و لهستان با او خوب رفتار نکرده بودند. من هم یک پیام تلگرافی برای همکارم؛ وزیر خارجه رومانی؛ که بامن خیلی دوست بود فرستادم. این همان کسی است که بعداً "رئیس دوره بیست و سوم شورای امنیت سازمان ملل شد. او هم ترتیب کار را داد و به بهترین وجهی سفر نیکسون برگذار شد.

در آمریکا آقای دین راسک یک میهمانی در واشینگتن دادویک شب هم شام را با نیکسون و ویلیام راجرز که بعدها وزیر خارجه اش شد؛ صرف کردم. آنشب پس از اینکه از شام برگشتیم؛ و اگر اشتباه نکنم در کلوب ۲۱ بود. پیاده راه میرفتیم. آن شب میان این دو مرد سیاسی؛ یعنی نیکسون و راجرز صحبت درباره این بود که نیکسون یکبار دیگر بختش را بیازماید و کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا بشود و قتی که شب برگشتیم؛ حضور اعلیحضرت تلفن کردم و موضوع را بعرض رساندم باور نمیکردند؛ و فکر میکردند نکند مشروب زیادی خورده باشم. بعد از چند روز نامزدی نیکسون برای احراز مقام ریاست جمهوری از طرف حزب جمهوریخواه اعلام شد و نیکسون بمحض آنکه به کاخ سفید رفت؛ از اولین کسی که دعوت کرد بآمریکا سفر کند؛ اعلیحضرت شاهنشاه ایران بود. در همین سفر بود که به همت نیکسون و نقش موثر اعلیحضرت همایونی؛ موضوع خروج چین از انزوای بین المللی پایه گذاری شد. این هم از آن کارهایی بود که قدرت اراده پادشاه و نیکسون را نشان میداد.

● اگر امکان دارد توضیح بیشتری در این باره بدهید.

- وقتی در همین سفر؛ ضیافت شام وزارت خارجه آمریکا تمام شد؛ ویلیام راجرز وزیر خارجه بمن گفت که اینها در رابطه با لهستانی ها و چین مشکلاتی دارند و آقای نیکسون معتقد است باید روابطی با چین بوجود آید. من همانقدر تعجب کردم که خود راجرز متعجب بود. به راجرز گفتم؛ ماجرا را با اعلیحضرت هم در میان بگذار. البته خودم هم قضیه را با شاهنشاه در میان گذاشتم. همین قدر بگویم که ایران در این زمینه نقش بسیار بزرگی داشت. اعلیحضرت پیشنهاد کرد که من چون با شادروان ذولفقار علی بوتو خیلی دوست بودم؛ و در واقع مثل برادرم بود؛ و سر همین هم با ژنرال یحیی خان دعوا داشتم؛ ملاقات کنم.

قبول کردم که باژنرال یحیی خان رئیس جمهوری وقت پاکستان بود؛ تماس بگیرم و کاری بکنم که آمریکا بتواند از طریق پاکستان با چین ارتباط برقرار کند. آن موقع رابطه چین و پاکستان بسیار خوب بود. و پایه این روابط خوب راهم ذوالفقار علی بوتو گذاشته بود. از مناسباتی که داشتیم؛ نهایت استفاده را بردیم و این روابط برقرار شد. ویلیام راجرز وزیر خارجه بود. اما کیسینجر که بگمانم آن موقع رئیس شورای امنیت ملی آمریکا بود؛ به این بهانه که راجرز از پس چنین کاری برنمیاید؛ رشته امور را بدست گرفت. آمد به پاکستان بعدرفت به چین. و بالاخره روابط چین و ایالات متحده آمریکا برقرار شد.

البته ایران نقش بسیار بزرگتری در این زمینه داشت که جزو تاریخ است؛ و باین زودیهها نباید منتشر شود. متأسفانه کشور ما؛ حالا آنچنان در دنیا به انزوا رفته که به بازی گرفته نمیشود؛ چه رسد باینکه بخواد نقش هائی چنین مهم در راه صلح جهانی ایفا کند.

● جناب زاهدی؛ باتوجه باین واقعیت ها و نقش ارزنده ایران در صلح جهانی؛ پس چه شده که جانشینان نیکسون و مثلاً " آقای کارتر در انقلاب به گونه دیگری عمل کردند؟

- کسی که سرکار بود؛ یعنی آقای کارتر وضع ایران را نه از نظر سیاسی و نه از نظر اقتصادی نمیشناخت. نیکسون به اعلیحضرت احترام داشت و ایشان را در وضع سوق الجیشی دنیا وارد میدانست. وقتی دوران بحرانی مملکت آغاز شد؛ نیکسون اعلام کرد؛ میخواهد بایران بیاید. بعد هم چند مقاله نوشت. و مصاحبه های متعدد کرد که آمریکا دارد در راه غلطی گام برمیدارد. واگریادتان باشد؛ حتی در یکی از مصاحبه هایش گفت آنچه که آمریکا میکند؛ برگ خونین و ننگینی در تاریخ آمریکا است. وقتی هم که اعلیحضرت درگذشتند؛ این مرد اولین کسی بود که علیرغم دوری راه با دامادش آمدند به مصر. همان موقعیکه همه خودشان را کنار کشیده بودند؛ و از سایه خودشان هم میترسیدند. ببینید؛ من با خیلی از روسای کشورها آشنائی پیدا کردم؛ چه در زمانی که در رکاب اعلیحضرت بودم و چه در زمانیکه وزیر خارجه بودم. بنظر من ژنرال دوگل و نیکسون در میان همه آنها استثنا بودند.

● جناب زاهدی؛ شما کی از بیماری اعلیحضرت اطلاع پیدا کردید؟

- متأسفانه چند سال اعلیحضرت مریض بودند و چند نفر؛ بیشتر از چهار پنج نفر آنرا نمیدانستند؛ و من هم از این جریان بی اطلاع بودم.

من معتقدم که این چند نفر روی چاپلوسی و یا روی نفهمی و یا روی علاقه  
نمیدانم چه بگویم؛ دوست ندارم از کسی ایراد بگیرم، بهرحال اعلیحضرت را  
تشویق کردند که به مردم نگویند. در صورتیکه من معتقد هستم اگر مردم  
اطلاع پیدا میکردند که پادشاهشان مریض است؛ برایش خون گریه  
میکردند. من این مطالب را در حضور افرادی حضور اعلیحضرت عرض  
کردم. کسی که در آمریکا بر سر کار بود وضع ایران را نه از نظر سیاسی و نه  
از لحاظ اقتصادی نمیشناخت.

کوتاه شده گفتگو با اردشیر زاهدی وزیر خارجه و سفیر شاهنشاه آریامهر؛  
تهیه و تنظیم: سازمان پیوند ایرانیان به همت حمید منصوری.